

دکتر عباس سرافرازی*

استادیار تاریخ

دانشگاه فردوسی مشهد

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹

(صص ۶۶-۵۳)

نقش روزنامه‌های فارسی چاپ هند در انقلاب مشروطه ایران**چکیده**

انقلاب مشروطیت ایران تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفت. یکی از این عوامل تأثیر روزنامه‌های فارسی زبان خارج از ایران بود. روزنامه‌ها به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی در آن زمان دارای نفوذ بسیار زیادی گردیدند. روزنامه‌هایی که در خارج از ایران و به خصوص هندوستان چاپ می‌شد، توسط روشنفکران مرفعی و انقلابی اداره می‌شد. آن‌ها از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دولت قاجار انتقاد می‌کردند و با نوشتن مقالاتی وضع موجود را به باد انتقادی می‌گرفتند. در هندوستان حدوداً نوزده روزنامه به زبان فارسی چاپ و منتشر گردید که در جنبش آزادی‌خواهی ایرانیان سخت مؤثر واقع شدند. این پژوهش در نظر دارد روزنامه‌های فارسی زبان چاپ هند و تأثیر آن‌ها را در انقلاب مشروطیت ایران بررسی نماید. این روزنامه‌ها در شهرهای مختلف هند از سال ۱۸۲۲ به چاپ رسید که در سال ۱۸۴۶ با چاپ ۶ روزنامه فارسی به اوج خود رسید و در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. بر این اساس می‌توان هند را یکی از اولین پایگاه‌های تحولات فکری و فرهنگی ایرانیان در آغاز قرون معاصر نامید که این

*Email: absarafrazi@yahoo.com

تحولات پیامدهای سیاسی و اجتماعی نیز در ایران به دنبال داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به انقلاب مشروطیت اشاره کرد.

کلید واژه ها: هندوستان، انقلاب مشروطیت، ایران، روزنامه‌نگاران فارسی زبان هند

مقدمه

یکی از دگرگونی‌های تعیین کننده و اساسی در شکل‌گیری تحولات انقلابی عصر مشروطه، پدیده‌ی نوپای انتشار روزنامه‌های فارسی روشنگر در بیرون از مرزهای استبداد زده ممالک محروسه‌ی ایران بود. اصلاح‌طلبان و میهن‌پرستان روشنفکر ایرانی به علت عدم امکان نشر اندیشه‌های مترقیانه و ارتباطات مردمی آزاد، فصل‌نویسی را در انجام فعالیت‌های روزنامه‌نگاری دنبال کردند. آنان با آسودگی خاطر و به دور از دخالت‌های ناروای «اداره انطباعات مبارکه و سانسورچیان دستگاه دولتی» قلم را در جهت منافع ملی به کار گرفتند. (گوئل کهن، ۱۳۶۳: ۱۰۱) چاپ روزنامه‌های فارسی زبان توسط ایرانیان تبعیدی در خارج از کشور از عثمانی شروع شد و آنان روزنامه‌ای به نام «اختر» به مدیریت آقا محمدطاهر تبریزی در سال ۱۸۷۵ م / ۱۲۹۲ هـ منتشر نمودند.

با چاپ این روزنامه، چاپ روزنامه‌های برون مرزی وارد مرحله‌ی نوینی شد. این روشنگری با انتقاد ملایمی آغاز شد؛ اما به مرور بر اثر وطن‌فروشی‌ها و زد و بندهای سیاسی با دول بیگانه و تشدید اختناق داخلی به جدال بین حکومت مستبد قاجار و اندیشمندان و روزنامه‌نگاران خارج از کشور تبدیل شد و چون گروهی آزادیخواهان نیز به اروپا و هندوستان، عثمانی و مصر مهاجرت کردند، فصل تازه‌ای در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران گشوده شد. مقالات پرشور و انقلابی که در برخی از روزنامه چاپ خارج مانند «عروة الوثقی» در پاریس چاپ گردید، پیام آزادی، برابری، استقلال، قانون‌گرایی، مبارزه با بیگانگان و استبداد داخلی را به ارمغان می‌آورد. چاپ این روزنامه آن قدر اهمیت داشت که دولت انگلیس متوسل به اقداماتی شد تا از نشر آن جلوگیری

کند و حتی از ورود این روزنامه به هندوستان و مصرمانعت نمود. (سمندر، ۱۳۵۵: ۲۰۵) اما به زودی نشریات گوناگونی در بیرون از کشور و در انتقاد از استبداد حکومت ناصرالدین شاه منتشر شد که مخفیانه وارد ایران می‌شد و در اختیار دوستان قرار می‌گرفت و با این که در هندوستان از سال‌های ۱۸۲۱ م / ۱۲۳۷ هجری روزنامه‌های فارسی زبان توسط هندی‌ها منتشر می‌گردید، با چاپ روزنامه حبل‌المتین روزنامه‌نگاری فارسی در هند وارد دوره جدیدی شد.

دو ملت ایران و هند قرابت‌های فرهنگی بسیاری داشته‌اند. فرهنگ مقوله‌های بسیاری چون هنر، ادب، موسیقی و فلسفه را در برمی‌گیرد. در نتیجه‌ی ارتباط فرهنگی بین هندی‌ها و زبان فارسی، تحولی عمیق در فرهنگ هندی به ویژه در زمینه‌ی شعر، واژه‌شناسی، تذکره‌نویسی، تاریخ‌نگاری و روزنامه‌نگاری بوجود آمد و دو کشور از یکدیگر بهره بردند.

در پایان قرن هیجدهم میلادی مطبوعات در هند آغاز به کار کردند. در آن زمان افراد کمی در هند قادر بودند زبان انگلیسی بدانند و زبان‌های بومی هند برای روزنامه‌نگاری نیز توانایی لازم را نداشتند و لذا زبان فارسی، زبان رسمی جامعه و درجه اول بود و تمام گزارش‌های اداری - سیاسی و دیپلماتیک به زبان فارسی نوشته می‌شدند و این امر تا سال ۱۸۳۰ ادامه داشت. بنابراین گروه عظیمی که قادر به خواندن فارسی بودند و توانایی پرداخت آبونمان روزنامه را داشتند در به حرکت درآوردن چرخ روزنامه‌نگاری هندوستان سخت مؤثر افتادند. (سلیمی، ۱۳۷۲: ۱۲۲)

جام جهان‌نامه هفته‌نامه‌ای بود که به سردبیری «لاله صدا سوخ‌را» که اهل کلکته بود، در سال ۱۸۲۳ آغاز به کار کرد. (catalogue.vols.iii)

سمبادی کامودی نخستین هفته‌نامه هندی به زبان بنگالی و در ۱۸۲۲ روزنامه «میراث‌الاجبار» را به فارسی منتشر نمود که هر دو نشریه راجع به مسائل و موضوعات مربوط به زندگی اجتماعی هند و بنگال بود (آنتونوا، ۱۳۶۱: ۷۹) روزنامه‌ی دیگری نیز به زبان فارسی توسط مانی راما تاخور به طور مرتب در هند انتشار یافت. از روزنامه‌ای

نیز به نام «مرآت‌الخبار» نام برده شده که به سردبیری «راماموهان» در سال‌های ۱۸۸۲ منتشر شد. (همان: ۱۲۳)

در پنجاب نیز نخستین مجله‌ی ماهانه با نگارش عربی و فارسی به نام پنجاب توسط جوشوا فالدین تدوین می‌شد. هدف اصلی آن بود که طرز نگارش فارسی را عمومی نماید. چاپ این روزنامه‌ها توسط هندیان علاقه‌مند به زبان فارسی زمینه‌های چاپ روزنامه‌های فارسی توسط ایرانیان و فارسی‌زبانان مقیم هند را بوجود آورد که در زمانی که به انقلاب مشروطیت ایران نزدیک می‌گردیم، این روزنامه‌ها کمک شایانی به پیشبرد اهداف مشروطیت در ایران نمودند.

انقلاب مشروطیت ایران، یکی از مهمترین تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی ایران است که مادر بسیاری از تحولات بعدی در این کشور محسوب می‌گردد. در میان حوادث شگرف تاریخی ایران، انقلاب مشروطیت ایران موقعیت برجسته‌ای دارد و این انقلاب حق دارد به مثابه‌ی نقطه تحول واقعی در حیات ملت ایران تلقی گردد. در جریان این انقلاب، ملت ایران بر استبداد قرون وسطایی و کهن سرزمین خویش فایق آمد؛ اما به علت عدم آگاهی به قوانین تاریخ، نداشتن تشکیلات رهبری کننده، فراموش کردن سنن انقلابی و بالاخره به علت کوتاه‌نظری و خیانت گروهی که رشته‌ی نهضت را در دست داشتند، از جاده‌ی انقلاب منحرف و سردرگم شد و نتیجه‌ی لازم را نتوانست به دست آورد. با این وجود اثرات و نتایج و پیامدهای این تحول بزرگ در ایران پابرجا ماند که از جمله آن می‌توان تحول در نظام آموزشی ایران و بوجود آمدن مدارس جدید، تأثیر انقلاب مشروطیت در آموزش زنان و ... را نام برد. تحول در امر روزنامه‌نگاری نیز از دیگر پیامدهای مثبت انقلاب مشروطیت بود که در این دوره شیوه‌ی روزنامه‌نگاری نیز تغییر یافت. روزنامه به عنوان یک وسیله‌ی ارتباط جمعی با تغییرات اجتماعی و تحولاتی که در ایران بوجود می‌آمد، همراه شد. برای اولین بار قدرت روزنامه‌نگاری از دست دولتیان خارج شد و از مردان مطلقه به مردان انقلابی و آزادی‌خواه منتقل گشت. این امر تحت تأثیر نوع روزنامه‌نگاری در اروپا و هندوستان قرار گرفت و ایران دارای

مطبوعات جدید و ملی گردید که توسط روشنفکران متمدنی و انقلابی اداره می‌شد. این مطبوعات به حکومت قاجار حمله و از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران انتقاد می‌کردند. هرچه بیشتر مطبوعات جرأت نشان دادند، بیشتر رهبری تحولات اجتماعی را به دست گرفتند و حکمرانان قاجار و دولتی‌ها بیشتر عقب‌نشینی کردند و عاقبت در جنگ مطبوعات و حکومت مستبد قاجاری مطبوعات به پیروزی رسیدند و در ایران نظام پارلمانی بوجود آمد. این تحول بزرگ به خاطر نقش روشنفکران و آزادی خواهانی بود که در زمان ناصرالدین شاه قاجار (۱۸۹۴-۱۸۴۸) به کشورهای اروپایی و هندوستان و مصر و عثمانی مهاجرت کردند. این مهاجران تبعیدی در سال‌های بعد هسته‌ی اصلی روزنامه‌نگاری فارسی‌زبانان اروپا و آسیا را بوجود آوردند و فصل خاصی در تاریخ مطبوعات قبل از مشروطیت ایران را پدید آوردند. در وقوع انقلاب مشروطه‌ی ایران عوامل مختلفی دخالت داشتند. انعقاد قراردادهای مختلف مانند قرارداد رویترا، امتیاز لاتاری، قرارداد رژی، شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و تحمیل قراردادهای خفت‌بار گلستان و ترکمن‌چای، مظالم و فشارهای روزافزون شاه و شاهزادگان و حکام و مأموران دولتی بر توده‌های محروم، مداخلات بیگانگان در امور کشور از عوامل انقلاب بود و مردم چنان به ستوه آمده بودند که منتظر بودند بهانه‌ای پیدا کنند و دکان‌های خود را ببندند تا با این قدرت‌نمایی، دست‌عمال دولت و بیگانگان را برای همیشه از جان و مال و ناموسشان کوتاه کنند. (ناظم‌الاسلام، ۱۳۳۲: ۲۶۸)

در بروز انقلاب مشروطیت علاوه بر عوامل ظاهری مانند به چوب بستن تاجران قند در تهران و انتشار عکس مسیونوژ بلژیکی در لباس روحانیت شیعه که باعث خشم مردم گردید، یکسری عوامل باطنی و درونی نیز نقش داشت. یکی از مهمترین این عوامل، بیداری مردم ایران و آگاهی آنان از حقوق انسانی و شهروندی خود بود. از مهمترین عوامل آگاهی مردم، روزنامه‌ها و ایجاد دبستان‌ها بودند. همان گونه که در هندوستان نیز رواج روزنامه‌ها و کالج‌ها و انجمن‌هایی مانند انجمن آکادمیک، انجمن هند و بریتانیا،

انجمن بمبئی، انجمن مدرس و غیره که با بی‌عدالتی مبارزه می‌کردند به گسترش جنبش آزادی‌خواهی کمک نمود. جرایدی که در قفقاز، استانبول، بمبئی، کلکته و مصر به چاپ می‌رسید و به صورت قاچاق به وسیله‌ی جهانگردان و زوار ضمن بارهای تجاری به ایران فرستاده می‌شد، در جنبش آزادی‌خواهی نقش داشتند و می‌توان روزنامه‌ها را یکی از عوامل مهم در بروز جنبش مشروطه‌خواهی دانست. (پاولویچ، ۱۳۵۷: ۵۶) بررسی مطبوعات سیاسی ایران قبل و بعد از مشروطیت و خصوصاً مطبوعاتی که در خارج از ایران چاپ می‌شد می‌تواند یکی از مهمترین عوامل مؤثر در ایجاد انقلاب مشروطیت را آشکار سازد.

نقش روزنامه‌های فارسی چاپ هند در انقلاب مشروطیت ایران

تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران چندان طولانی نیست و سال ۱۸۳۷ میلادی یعنی سال انتشار «کاغذ اخبار» توسط میرزا صالح شیرازی را می‌توان آغاز روزنامه‌نگاری ایران و این روزنامه را که همان «نیوزپیپر» معنی می‌دهد اولین روزنامه ایرانی دانست، بنابراین تاکنون که سال ۲۰۱۰ میلادی است ۱۷۳ سال از انتشار اولین روزنامه ایران می‌گذرد؛ اما در همین فاصله کوتاه چه در ایران و چه در سایر کشورها مانند هند، مصر و عثمانی روزنامه‌های فارسی ارزشمندی منتشر شده‌اند و کارنامه‌ی ژورنالیسم در ایران، درخشان و ارزنده است. روزنامه‌نگاران خوب و روزنامه‌های خوبی در همین فاصله که چندان دور هم به نظر نمی‌رسد، منتشر شده‌اند که در رشد فکری و سیاسی - اجتماعی ایرانیان مؤثر واقع شدند. (تبریزی، ۱۳۷۸: مقدمه)



در این میان سهم روزنامه‌های فارسی خارج از ایران بسیار ارزنده است که به مراتب از روزنامه‌های داخلی مؤثرتر بودند. علت این امر آن بود که در ایران قاجاری شیوه‌ی حکومتی اسپتدادی حکمفرما بود و حکومت با هرگونه انتقاد و مخالفتی مبارزه می‌کرد بنابراین در داخل، روزنامه‌ها دولتی و مداح حکومت بودند؛ اما در خارج ایران از جمله فرانسه و انگلستان و به تبع آن در هندوستان مطبوعات آزاد بودن. در این میان کشور هند به خاطر همسایگی با ایران و قرابت‌های فرهنگی و تمدنی یکی از مراکز اصلی شکل‌گیری روزنامه‌های فارسی زبان توسط ایرانیان بود و می‌توان گفت اولین روزنامه‌های فارسی زبان در هندوستان چاپ گردید. سال‌های ۱۸۲۲ به بعد در تاریخ تحولات هند اهمیت بسیاری دارد و انجمن‌هایی به منظور «پیشبرد روشنگری» شکل گرفت که به فکر سازمان نوین هند بودند. رام موهان روی (۱۷۷۲-۱۸۳۲) درصدد برآمد هندوایسم را از رویه‌ها و نهادهای ناپسندش پاک کند. وی در سال ۱۸۲۱ نخستین هفته‌نامه هندی به نام «سمباد کامودی» را به زبان بنگالی و در سال ۱۸۲۲ روزنامه «مرآت‌الآخبار» را به زبان فارسی منتشر نمود که هر دو نشریه مسائل و موضوعات مربوط به زندگی اجتماعی هند و بنگال را مورد بحث قرار می‌دادند. در بمبئی نیز همین‌گونه تحولات رخ داد. در این بخش از کشور هند نیز یک‌چنین جنبش‌هایی خصوصاً از جانب پارسیان شکل گرفت که بیشتر هدف آنان ترغیب هندی‌ها برای دخالت در امور کشور خود بود. (آنتوانوا، ۱۳۶۱: ۸۰) این حرکت‌ها در سال‌های ۱۸۴۶ / ۱۲۶۳ هـ به اوج خود رسید و در این سال‌ها مجلات و روزنامه‌های بسیاری در هند به چاپ رسید. ایرانیان مقیم هند نیز که از حکومت قاجارها در کشور خود ناراضی بودند، از فضای موجود در هندوستان استفاده نموده و در سال ۱۸۴۶ در هندوستان ۶ روزنامه به زبان فارسی به چاپ رساندند که «جام جهان‌نما»، «جام جمشید» و «چابک» در بمبئی و «سکندر»، «سلطان‌الآخبار» و «لودیانه اخبار» در کلکته به چاپ رسیدند. این‌ها اولین روزنامه‌هایی است که در یک سال به زبان فارسی ایرانیان، در هند به چاپ رساندند که البته به خاطر دسترس نبودن برخی از آن‌ها نمی‌توان به درستی مشخص نمود که کدامیک اولین

آن‌ها بوده است. بر این اساس می‌توان هند را یکی از اولین پایگاه‌ها تحولات فکری و فرهنگی ایرانیان در آغاز قرون معاصر نامید که این روند در سال‌های بعد ادامه یافت. از دیگر روزنامه‌های فارسی زبان، روزنامه ی «مفرح القلوب» است که در بندر کراچی هندوستان به طور هفتگی چاپ می‌گردید. این روزنامه که سی سال انتشار یافت، از جهت انعکاس اخبار هند و جهان در ایران حائز اهمیت و آغاز انتشار آن سال ۱۸۵۶ بوده است. «مدرس فارسی» مجله‌ای بود که از سال ۱۸۸۳ در شهر بمبئی به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر می‌شد. قسمت فارسی آن با چاپ سنگی و قسمت انگلیسی با الفبای کتابی چاپ می‌شد. این مجله دستور زبان فارسی و ادبیات و حکایات فارسی و ضرب‌المثل و داستان‌های کوچک را شامل می‌شد.

روزنامه ی «آزاد» در شهر دهلی هندوستان در سال ۱۸۸۵ منتشر گردید ک با روزنامه ی «سیدالاکبار» که در حیدرآباد دکن در همان سال انتشار یافته وارد مبارزه قلمی گردید. (صدرهاشمی ۱۳۳۱، ج ۱: ۱۳۸) در حیدرآباد دکن روزنامه ی سیدالاکبار به صورت هفته‌نامه منتشر می‌شد. از مندرجات مهم روزنامه ترجمه ی اخبار خارجی از جراید مهم انگلستان و مطالبی راجع به روابط روسیه و ایران است. تأسیس این روزنامه در سال ۱۸۸۸ میلادی به وسیله ی سیدآقا شیرازی بوده است.

در سال ۱۸۹۲ روزنامه ی «کوکب ناصری» در شهر بمبئی به مدیریت میرزا مصطفی شیخ‌الاسلام بهبهانی تأسیس گردید. این روزنامه در هند و خلیج فارس و عربستان و ترکیه و اروپا منتشر می‌گردید، دارای تصاویر نیز بوده است. (رایینو، ۱۳۸۰: ۲۱۷)

روزنامه ی «حبل‌المتین» که در کلکته هندوستان منتشر می‌شد، از روزنامه‌های دیگر در داخل ایران نفوذ بیشتری داشت. این روزنامه هر هفته در بیست صفحه منتشر می‌شد و هر شماره ی آن حاوی چندین مقاله ی سیاسی و اجتماعی بود و اغلب از اوضاع دلخراش ایران صحبت می‌کرد. این روزنامه جزو روزنامه‌های بی‌طرف بود و به مدیریت جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام اداره می‌شد. وی از شرایط و آزادی‌های موجود در هند استفاده کرد و مدت‌ها بدون هیچ‌گونه دخالتی، روزنامه خود را منتشر ساخت و از

حکومت ایران انتقاد نمود. روزنامه حبل‌المتین در سال ۱۸۹۳ م / ۱۳۱۱ هجری چاپ گردید (ذاکر حسین، ۱۳۶۸، ۴۴).

حبل‌المتین از هند مرتب وارد ایران می‌شد و نهضت مشروطیت را پشتیبانی می‌کرد. یکی از مسائل جالب در خصوص انتشار حبل‌المتین آن بود که انتشار این روزنامه جدا از انگیزه‌های انقلابی و ملی نبود. اساس کار و بینشی که در انتشار حبل‌المتین مورد توجه قرار داشت، به دور از اهداف و خواسته‌های مردمی «روزنامه قانون» نبود؛ چرا که پس از ملاقات مدیر حبل‌المتین و سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بندرعباس فکر بیدار نمودن ایرانیان از طریق روزنامه‌نگاری در مؤیدالاسلام، مدیر حبل‌المتین، قوت گرفت و در سال ۱۳۱۱/ ۱۸۹۳ هجری که سید جمال‌الدین در انگلستان، پرنس ملکم‌خان در لندن و مؤیدالاسلام در هندوستان بودند، در نتیجه مکاتبات متوالی این سه نفر معتقد و متفق شدند که ملت ایران نیاز شدیدی به آگاهی و انقلاب فکری دارند و این انقلاب جز از راه مطبوعات آزاد میسر نمی‌شود. هماهنگی پدید آمده بین این گروه آزادیخواه و مبارز، باعث انتشار روزنامه ی «قانون» به مدیریت ملکم‌خان در لندن و روزنامه ی «حبل‌المتین» به مدیریت مؤیدالاسلام در کلکته شد. به اعتقاد کسروی حبل‌المتین از همه روزنامه‌های آن زمان بزرگتر و به نام تر بود. در سخن راندن آزاد بود و گفتارها درباره گرفتاری‌های سیاسی ایران می‌نوشت و بارها پیشنهاد قانون و حکوت مشروطه نمود. (کسروی، ۱۳۶۹: ۴۲)

در ایران وزارت علوم و دربار و برخی از نمایندگان معتدل مجلسی سعی کردند در برابر درج مطالب روشنگر و رادیکال این روزنامه محدودیت ایجاد کنند و آزادی قلم را متوقف سازند؛ اما نتوانستند که روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه و دموکرات را منحرف سازند و آنان را از مسیر آزادی و عدالت و استقلال دور کنند. یکی دیگر از تأثیرات روزنامه ی حبل‌المتین چاپ کلکته این بود که یک روزنامه به همین نام به وسیله ی سیدحسن کاشانی برادر مؤیدالاسلام در تهران و رشت، دو شهر ایران، منتشر شد. میرسیدحسن کاشانی با برادر خود در کلکته همکاری کرده بود و آن دو روزنامه به نام‌های مفتاح‌الظفر و آزاد را در هندوستان به چاپ رسانده بودند. میرسیدحسن در سال ۱۹۰۷ میلادی

روزنامه‌ی حبل‌المتین را در ایران منتشر کرد که یکی از چهار روزنامه‌ی انقلابی رادیکال و معروف صدر مشروطیت بود. وی تجربیات حرفه‌ای و تجارب روزنامه‌نگاری و سیاسی و اجتماعی خوبی با خود از هند به ایران آورده بود و چون با اصول روزنامه‌نگاری اروپایی آشنایی داشت، روزنامه‌ای در سطح بالا و عالی، شامل اخبار سیاسی، ملی، علمی، اجتماعی و ادبی و فرهنگی به چاپ رسانید. (گوئل کهن، ج ۲: ۱۱۲) در سال ۱۸۹۷ روزنامه «مفتاح‌الظفر» به مدیریت میرزا سیدحسن کاشانی به صورت هفتگی در کلکته منتشر می‌شد. سرپرستی این روزنامه را آقای مؤیدالاسلام، مدیر روزنامه حبل‌المتین، به عهده داشت. مقالات این روزنامه بیشتر ریاضی و علمی و در خصوص زراعت و بیماری‌ها بود که هدف آن افزایش علوم نظری و طبیعی ایرانیان بود. روزنامه‌ی آزاد کلکته هر ماه چهار شماره منتشر می‌شد این روزنامه در سال ۱۸۹۹ تأسیس شد و دو برادر مؤیدالاسلام و میرزا سیدحسن کاشانی آن را به چاپ می‌رساندند. روزنامه‌ی آزاد کلکته ضمیمه‌ی مفتاح‌الظفر و رایگان بوده و در هندوستان، برمه، خلیج فارس، چین، ژاپن، روسیه، عثمانی، عراق مصر توزیع می‌گردید. این روزنامه علاوه بر مقالات سیاسی و اخبار ایران و جهان، شامل مقالات علمی و ریاضی نیز بود. ملک و ملت روزنامه‌ای انگلیسی زبان بود که به سر دبیری مؤیدالاسلام ر سال ۱۹۰۴ مانند بقیه روزنامه‌های مؤیدالاسلام در کلکته چاپ و منتشر می‌شد.

در سال ۱۹۰۶ روزنامه‌ی «دعوت الاسلام» به مدیریت محمدعلی الحسینی داعی الاسلام در بمبئی به دو زبان فارسی و اردو چاپ گردید و از جمله روزنامه‌هایی بود که از همان آغاز مورد توجه مسلمین هند و سایر ممالک اسلامی واقع شد و آنان از کمک‌های مادی و معنوی در نشر این روزنامه دریغ ننمودند و به انتشار آن کمک کردند. قند پارسی در علیگر هندوستان از سال ۱۹۰۷ به چاپ رسید، این روزنامه را محمد احسن‌الله خان متخلص به ثاقب چاپ و منتشر می‌نمود و مجله‌ای ادبی بود، نامه وطن در سال ۱۹۰۸ با چاپ سنگی در شهر حیدرآباد دکن به مدیریت صحاف‌باشی که از تهران فراری بوده تأسیس شد. در سال ۱۹۰۹ روزنامه «اصلاح» در شهر بمبئی هندوستان به چاپ

رسید مدیریت آن را محمدرضا بوشهری برعهده داشت. پس از دو سال چاپ این روزنامه به تهران انتقال یافت و در این شهر منتشر شد. بر این اساس می‌توان گفت تعداد روزنامه‌های منتشره فارسی زبان توسط ایرانیان در هندوستان به این شرح بود کلکته ۷ روزنامه، بمبئی ۷ روزنامه، حیدرآباد دکن ۲ روزنامه، علیگر ۱ روزنامه، دهلی ۱ روزنامه، کراچی ۱ روزنامه. (رایینو: ۳۰)

ردیف	نام روزنامه	نام مدیر	شهر	سال انتشار	زبان انتشار
۱	مفتاح‌الظفر	سیدحسین کاشانی (مؤیدالاسلام)	کلکته	۱۸۹۷	فارسی
۲	آزاد	سیدحسین کاشانی	کلکته	۱۸۹۹	فارسی
۳	لودیانه اخبار	—	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۴	حبل‌المتین	مؤیدالاسلام	کلکته	۱۸۹۶	فارسی
۵	سکندر	—	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۶	سلطان‌الاجبار	—	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۷	ملک و ملت	مؤیدالاسلام	کلکته	۱۹۰۴	انگلیسی
۸	اصلاح	محمدرضا بوشهری	بمبئی	۱۹۰۹	فارسی
۹	مدرس فارسی	میرزاجعفر و میرزامحمدصادق	بمبئی	۱۸۸۳	فارسی - انگلیسی
۱۰	جام جهان‌نما	—	بمبئی	۱۸۴۶	فارسی - انگلیسی
۱۱	جام جمشید	—	بمبئی	۱۸۴۶	فارسی - انگلیسی
۱۲	چاپک	—	بمبئی	۱۸۴۶	فارسی - انگلیسی
۱۳	کوکب ناصری	آقامیرزا مصطفی	بمبئی	۱۸۹۲	فارسی - انگلیسی

۱۴	دعوت‌الاسلام	محمدعلی حسینی داعی‌الاسلام	بمبئی	۱۹۰۶	فارسی - اردو
۱۵	نامه وطن	صحاف‌باشی	حیدرآباد	۱۹۰۸	فارسی
۱۶	سیدالاکبار	آسید آقاشیرازی	حیدرآباد	۱۸۸۹	فارسی
۱۷	قند پارسی	محمد احسن الله خان (ناقب)	دهلی	۱۸۸۵	فارسی
۱۸	آزاد دهلی	—	دهلی	۱۸۸۵	فارسی
۱۹	مفرح القلوب	محمد شفیع - محمد جعفر	کراچی		فارسی

بر این اساس می‌توان گفت سرزمین هند در شکل‌گیری و توسعه انقلاب مشروطیت ایران از آغاز تا سال ۱۹۱۱ و آغاز جنگ اول جهانی بیشترین سهم را در گسترش جنبش آزادی‌خواهی ایرانیان داشت، چرا که هند مرکز مهم چاپ روزنامه‌هایی بود که توسط آزادی‌خواهان و روشنفکران ایرانی مقیم هند منتشر می‌شد. تا آغاز جنگ جهانی اول از مجموع حدود ۴۷ روزنامه که در خارج از کشور به زبان فارسی منتشر گردید، هندوستان با ۱۹ روزنام مقام اول را داشت و پس از آن عثمانی با ۸ روزنامه، قاهره با ۵ روزنامه، نجف ۴ روزنامه، پاریس ۳ روزنامه، بادکوبه ۲ روزنامه، واشنگتن ۲ روزنامه، تفلیس، سوئیس، عشق‌آباد و مکه هر کدام یک روزنامه و نامعلوم حدود ۱۲ روزنامه، که البته روزنامه‌ی نامعلوم ممکن است در داخل ایران به چاپ رسیده باشند. به هر حال سهمی از این ۱۲ روزنامه به هند نیز تعلق خواهد گرفت.

همسایگی ایران با دو کشور در حال انقلاب روسیه و عثمانی و پیوندهای ایرانی‌ها با مصر و عثمانی و آگاهی از وقایع سیاسی و اجتماعی در چین و ژاپن موجب کوشش‌های پی‌گیری برای پایه‌ریزی نظام مشروطه در ایران گردید. فزونی روزنامه‌ها و روی‌آوری مردم به خواندن آن‌ها خصوصاً حبل‌المتین کلکته در پیشبرد اهداف جنبش مشروطه خواهی مؤثر واقع گردید. (کسروی، ۱۳۶۹: ۳۹)

ایرانیان مهاجر «مطبوعات در تبعید» را منتشر ساختند که مطبوعات خارج از کشور در این دوره چندین خصوصیت عمومی داشتند، اول این که مندرجات آن‌ها بیشتر جنبه‌ی اجتماعی و سیاسی و تفسیری داشت و به اخبار دولتی و خارجی می‌پرداختند، دوم این که نویسندگان همه آزادی‌خواه و مشروطه‌طلب و خواستار الغای حکومت استبدادی در ایران بودند. در مرحله‌ی سوم هم جراید این دوره و هم نویسندگان آن‌ها بی‌نهایت تحت تأثیر سیستم اجتماعی و سیاسی اروپا قرار داشتند. نمونه‌های اداری و حکومتی غرب را برای ایران تشویق می‌کردند و چهارم اینکه این روزنامه‌ها تحت تأثیر افکار انقلابی مصر و هند و عثمانی قرار داشتند. (مولانا، بی‌تا: ۱۰۹)

نتیجه

نهضت مشروطه ایران یکی از مهمترین حوادث سیاسی و اجتماعی است که در آغاز قرون معاصر تاریخ ایران به وقوع پیوست. در شکل‌گیری این انقلاب عوامل مختلفی دخالت داشتند. از مهمترین عواملی که زیربنای فکری مشروطه و مقدمات آن را رقم زد، روزنامه‌ها بودند. روزنامه‌های چاپ خارج از جمله هندوستان را از مهمترین انگیزه‌های بیداری ایرانیان برشمرده‌اند؛ چون زبان فارسی در هندوستان رواج داشت از سال‌ها قبل از انقلاب مشروطه روزنامه‌هایی به زبان فارسی در آن سرزمین منتشر می‌شد. برخی از ایرانیان که به هندوستان تبعید شده بودند، روزنامه‌هایی چاپ و منتشر نمودند که در آن‌ها به انتقاد از وضع موجود کشور پرداختند، هندوستان با چاپ ۱۹ روزنامه‌ای که ما می‌شناسیم در بین کشورهای کمک‌کننده شکل‌گیری انقلاب مشروطه گوی سبقت را ربود که این روزنامه‌ها در شهرهای مختلف از جمله، کلکته، بمبئی، حیدرآباد علیگر، دهلی و کراچی چاپ و منتشر می‌شد. اوج این تحول سال ۱۸۴۶ بود که همزمان ۶ روزنامه فارسی به هواداری از نهضت مشروطیت در هند منتشر می‌شد. بر این اساس می‌توان هندوستان را یکی از اولین پایگاه‌های تحولات فکری و فرهنگی ایرانیان در آستانه‌ی انقلاب مشروطه نامید.

منابع

- ۱- آنتوانواوا، ک - بونگاردلویین - کوتوفسکی، گ، ک (۱۳۶۱) **تاریخ نوین هند**، ترجمه ی پرویز علوی، ج ۲، تهران: نشر بین‌الملل.
- ۲- تبریزی، محمدطاهر (۱۳۷۸) **روزنامه ی اختر**، تهران: کتابخانه ی ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- پاولویچ، م (۱۳۵۷) **سه مقاله درباره ی انقلاب مشروطه ایران**، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۴- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۶۸) **مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- رابینو، هل (۱۳۸۰) **روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۲۳۹ هجری**، ترجمه و تدوین جعفر خمایی‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۶- سمندر، عبدالله (۱۳۵۵) **گزیده ی عروة الوثقی**، کابل.
- ۷- سلیمی، مینو (۱۳۷۲) **روابط فرهنگی ایران و هند**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه ی ایران.
- ۸- صدرهاشمی، محمد (۱۳۳۱) **تاریخ جراید و مجلات ایران**، ج ۱، تهران: انتشارات کمال.
- ۹- کسروی، احمد (۱۳۶۹) **تاریخ مشروطه ایران**، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۰- گوئل کهن (۱۳۶۲) **تاریخ سانسور در مطبوعات ایران**، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۱- مولانا، حمید (بی‌تا) **سیر ارتباطات اجتماعی در ایران**، دانشکده ی ارتباطات دانشگاه تهران.
- ۱۳- ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۳۲) **تاریخ بیداری ایرانیان**، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.